

IRI SANCTIONS: YES OR NO?

<http://www.ghandchi.com/319-IRISanctions-plus.htm>

تحریم بین المللی: آری یا نه؟

پس از انتخابات مجلس هفتم، **جبهه دموکراتیک ایران IDF**، در تاریخ 22 فوریه 2004، اعلامیه ای منتشر کرد، و در آن تحریم همه جانبه اقتصادی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در سطح بین المللی را خواستار شد:

"جبهه دموکراتیک ایران سالهاست که خواهان برگزاری رفراندوم برای اثبات رسمی. عدم مشروعیت حکومت مطلقه گذشته است و اینک از کلیه گروه ها و سازمانها و احزاب اپوزیسیون می خواهد در ایران و سراسر جهان این عدم مشروعیت را عیان و افشاء کرده و از کشورهای مورد اقامت خود برای تحریم همه جانبه اقتصادی و سیاسی جهت تحمیل یک رفراندوم آزاد برای سنجش میزان مشروعیت حکومت با سوال "جمهوری اسلامی؟! آری یا نه؟" استمداد بطلبند. " [تحریم همه جانبه بین المللی، 1382/12/3، شماره: س-4]

لازم به یادآوری است که جبهه دموکراتیک در اسفند ماه سال گذشته نیز، در انتخابات شوراهای شهر، از اولین سازمانهایی بود که خواست تحریم انتخابات رژیم را پیش کشید، خواستی که مردم در عمل در آن زمان انجام دادند. خواستی که امسال، در انتخابات مجلس هفتم، به خواست اکثریت گروه های اصلاح طلب در ایران تبدیل شد.

من در اینجا بحث دربارۀ جبهه دموکراتیک نیست. علت اینکه آنها را ذکر کردم این است که آنها به روشنی موضع خود را اعلام کرده اند، با اینکه در ایران فعالیت میکنند و جان خود را با این مواضع به خطر میاندازند. قبل از هر بحثی لازم به یادآوری است که من نیروهایی را که در ایران بخاطر نوع فعالیت خود، از گرفتن مواضع سیاسی اجتناب میکنند را نیز، درک میکنم، و در این نوشته هدف من سرزنش آنها نیست، چرا که همه فعالیتهای اجتماعی نیازی به موضع گیری در مورد همه چیز را ندارد. اما روشن بودن جنبش سیاسی ایران در مورد چنین موضعی و اینکه آیا واقعاً آنرا میخواهند یا نه، خیلی مهم است، چرا که نتایج آن سنگین است. اجازه بدهید بیشتر توضیح دهم.

در 24 سال گذشته، تظاهرات بر علیه جمهوری اسلامی در اروپا، نظیر تظاهراتی مشابه سالهای حکومت شاه، مفهوم داشته است، چرا که خواست تظاهر کنندگان فشار بر روابط دولت های اروپایی با ایران بوده است، اما در آمریکا که روابط رسمی ای دولت با ایران ندارد، خواست تظاهرات آنها اساساً مبهم است. اگر فشار بر روابط باشد که بالاترین حد آن قطع روابط است، که در 24 سال گذشته خود چنین بوده است. البته گروه های نادری هستند که خواست حمله نظامی آمریکا را به ایران دارند، و به این خاطر تظاهرات در آمریکا میکنند. من شخصاً از این تظاهرات ها اجتناب کرده ام چرا که من با خواست حمله نظامی به ایران صد در صد مخالفم.

البته آنگونه که نوشتم گروه های ایرانی دیگری هم هستند که در آمریکا طی این 24 سال تظاهرات کرده اند و خواهان حمله نظامی آمریکا نیز نیستند. من قادر به درک خواست آنها از دولت آمریکا برای تظاهرات کردن نیستم، ولی آنها دلیل خود را آگاه کردن مردم آمریکا میدانند. من استفاده از شکل معین تظاهرات را برای خواست معینی از دولت کشوری که در آنجا تظاهرات انجام میشود میدانم، وگرنه مثل تظاهراتی دولتی در ایران زمان شاه و در جمهوری اسلامی، استفاده از تظاهرات بنظر من بی معنی است. علت اینکه من این نکته را یاد آور شدم تأکید این امر است که من همه آنها که در آمریکا تظاهرات میکنند را خواهان تجاوز نظامی به ایران نمیدانم. به هر حال درک من با این دوستان در مورد تظاهرات متفاوت است. ولی موضوع بحث من در این جا، این موضوع نیست، که چندان اهمیتی هم ندارد.

واقعیت این است که تظاهراتی ایرانیان در 24 سال گذشته، در اروپا رشد کرده، و اهمیت داشته است، و دلیل آنهم این است که دولت های اروپایی با دولت ایران رابطه دارند، و خواست تظاهرات آنها در نهایت قطع این روابط است. من این توضیحات را نوشتم تا به اصل بحث خواست *تحریم* جمهوری اسلامی بپردازم.

همانگونه که میدانیم 24 سال است که آمریکا بر روی جمهوری اسلامی تحریم داشته است. لابی ایست های جمهوری اسلامی و طرفدارانشان سعی در لغو این تحریم ها داشته اند. من در سال 2000 نوشته ای نوشتم و خواستار شدم که لغو **تحریم** ها به شرایط حقوق بشر متصل شود و بلا شرط نباشد. من در آن زمان مورد حمله لابی ایست های جمهوری اسلامی در آمریکا قرار گرفتم. جالب است که پس از اوج گیری جنبش دموکراسی خواهی در ایران در سالهای اخیر و بویژه فشار بر نیروهای به اصطلاح اصلاح طلب در ایران، همان طرفداران جمهوری اسلامی در خارج، امروز نوعی شرایط حقوق بشر برای رابطه با جمهوری اسلامی را خواهان میشوند، البته تا آنجا که به حقوق بشر برای گروههای اصلاح طلب مربوط است. به هر حال موضوع بحث من در اینجا گروههای **لابی ایست** نیست و درباره آنها قبلاً توضیح کافی داده ام.

بحث من در اینجا شفافیت خواست نیروهای دموکراسی خواه مستقل ایران در مورد خواست تحریم بین المللی است. منظورم این است که در همه بحث های من در گذشته موضوع مورد بحث من، چگونگی *لغو* تحریم های موجود آمریکا بود، و *نه* این که من خواهان گذاشتن تحریم بر روی جمهوری اسلامی شده باشم، و تازه همه مسائلی که توضیح دادم پیش آمد. خواهان تحریم شدن، مسأله را بسیار مشکل تر میکند، و همه ایرانیان و نیروهای سیاسی لازم است که دقیقاً به آن بیاندیشند، قبل از آنکه در تظاهراتی در خارج این خواست از دولت های اروپایی طلب شود.

اجازه بدهید بیشتر توضیح دهم. من در سالهای گذشته طی نوشته های گوناگون بحث کردم که **گلوبالیسم** بسیاری از موضع گیریهای ما را در رابطه با ایران تحت الشعاع قرار میدهد. مثلاً در قوریه 2002، در نوشته ام تحت عنوان "**گلوبالیسم و محافل روشنفکری ایران**" بحث کردم که روشنفکران ایران بجای تظاهرات ضد گلوبالیسم بایستی اهمیت آن را برای آینده ایران درک کنند. مثلاً تحریم همه جانبه اقتصادی و سیاسی سازمان ملل بر روی یک کشور در دنیای کنونی میتواند رژیم را براحتی به زانو در آورد. در آفریقای جنوبی، حتی وقتی مندا لا آزاد شد، از غرب خواست که تحریم های خود را تا سقوط رژیم آپارتاید ادامه دهند. به همین علت جمهوری اسلامی بودجه سرسام آوری همه این سالها برای داشتن لابی ایست در آمریکا صرف کرده است، و حتی برخی با تجربه ترین سیاسیون مستقل ایران را فریب داده است

اما تحریم همه جا مثل آفریقای جنوبی نبوده است که با پیروزی جنبش دموکراسی خواهی پایان یابد. مثلاً تحریم در افغانستان و عراق سال ها باعث فشار بر مردم عادی و سو تغذیه و مرگ کودکان شد که با حمله نظامی آمریکا پایان یافت. البته در آن سالها استثنائاً برای غذا و دارو بوجود آمد، و آن استثنائات هم راهی برای ثقل رژیم هائی نظیر صدام و طالبان شد. در ایران برخی گروههای سیاسی فکر کردند که فقط موسساتی نظیر بنیاد مستضعفین تحریم شوند، ولی با این تفکیک ها هم مشکلات انسانی تحریم حل نشد. واقعیت این است که تحریم رژیم بر روی مردم اثر میگذارد و این تصمیم بایستی از طرف اکثریت مردم و تشکیلاتهای سیاسی گرفته شود و مردم آماده پرداخت این هزینه ها باشند، و گرنه چنین تصمیمی باعث نفرت مردم از گروههای سیاسی میشود.

لازم به یادآوری است که برخی گروه های سیاسی درست به عکس میاندیشند. مثلاً بعضی **جریانات سیاسی** معتقدند که حتی تحریم آمریکا نیز بایستی بدون در نظر گرفتن شرط حقوق بشر حذف شود، و فکر میکنند که قبول ایران در سازمان تجارت جهانی بایستی بدون چنین شرایط بشری انجام شود، و فکر میکنند که ادغام ایران در WTO باعث میشود که جمهوری اسلامی در عمل از بین برود، و ایران به جامعه قراصنتی پای گذارد. حتی برای ترکیه مسائلی نظیر مجازات اعدام سد راه ورود به جامعه اروپا بود، ولی این دوستان برای الحاق جمهوری اسلامی به WTO صرفنظر از هرگونه پیش شرط را طرح میکنند و فکر میکنند به نفع مردم ایران است.

در نتیجه این دسته افراد از گلوبالیسم درست نتیجه ای عکس آنهایی که خواهان تحریم همه جانبه اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی هستند را میگیرند. بنظر من اقتصاد گری این دوستان باعث درک سیاسی اشتباه آنها از نتیجه ادغام در WTO است، و چنین معجزاتی از آن ادغام حاصل نخواهد شد، و در عمل کمک آنها به روابط با غرب، بدون طرح خواستههای حقوق بشری، به تقویت موضع محافظه کاران رژیم جمهوری اسلامی منجر خواهد شد، یعنی تبدیل ایران به عربستان سعودی، یا در بهترین حالت به چینی دیگر.

جدا از آنکه هر جریانی به چه دلیلی از موضع مختلفی در مورد رابطه ایران با دنیای غرب سخن میگوید، نیروهای سیاسی ایران لازم است که موضع خواست تحریم از کشورهای غرب را دقیقاً و به روشنی بین خود بحث کنند، قبل از آنکه از غرب انجام آنرا بطلبند، برای آنکه بعداً این موضع میتواند نتایج سختی برای مردم ایران داشته باشد، و اگر آگاهانه انجام نشود، باعث میشود که بسیاری فکر کنند که یک عده ایرانی در خارج از کشور، که "نفسشان" از جای گرم بلند میشود، باعث این سختی برای مردم ایران شده اند. در واقع اگر نیروها و شخصیت‌های داخل کشور فکر میکنند تحریم جمهوری اسلامی توسط غرب برای فشار به جمهوری اسلامی ایران جهت انجام رفراندوم لازم است، بایستی نظیر ماندلا، به روشنی نظر خود را بیان کنند، قبل از آنکه جریانات خارج کشور در رابطه با فشار بر روی کشورهای خارجی، برای انجام چنین خواستی، اقدامی بکنند.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

11 اسفند 1382

February 30, 2004

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/319-IRISanctionsEng.htm>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com/BasicWritings.htm>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>